

همگرایی اقتصادی ایران و افغانستان (۲۰۰۱ تا ۲۰۱۷) و چشم‌انداز آینده

محمدعلی شیرخانی^{۱*}، غلام سرور صفایی^{۲**}

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
۲- دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تهران، تهران، ایران

روابط اقتصادی ایران و افغانستان، پس از نابودی حکومت طالبان و شکل‌گیری نظام نوین سیاسی (از سال ۲۰۰۱ به این سو) بر مبنای آمارهای بانک جهانی، وزارت اقتصاد ایران و وزارت مالیه افغانستان روند روبه‌رشدی داشته است. مهم‌ترین جاذبه‌های سرمایه‌گذاری برای ایران در افغانستان عبارت‌اند از: نزدیکی مسافت، زبان مشترک، بازار بکر و سی‌وپنج میلیونی افغانستان، قوانین سهل و آسان تجارت و ثبت شرکت در این کشور. افغانستان نیز به دلایل سطح بالای تکنولوژی، دانش فنی، امنیت پایدار، کیفیت کالاهای ایرانی در مقایسه با سایر کشورهای منطقه علاقه‌مند به توسعه روابط اقتصادی با ایران است. در این پژوهش به این پرسش پاسخ داده خواهد شد که روابط اقتصادی ایران و افغانستان که طی بازه زمانی (۲۰۱۷-۲۰۰۱) سیر صعودی داشته است، چگونه می‌تواند تداوم‌یافته و رشد نماید؟ لذا این فرضیه قابل طرح است که پایداری روابط اقتصادی ایران و افغانستان، فقط براساس منافع مشترک و دوجانبه ممکن و مقدور است، نه کمک‌های یک‌جانبه ایران به افغانستان. به همین منظور این پژوهش با مبنا قرار دادن نظریات همگرایی به‌عنوان چهارچوب نظری تحقیق، به زمینه‌ها و پروژه‌های مهم اقتصادی که منافع مشترک اقتصادی دو کشور را تأمین می‌کند می‌پردازد و مزیت‌های نسبی اقتصادی دو کشور را ضامن بقاء و تداوم رابطه دو کشور می‌داند.

واژه‌های کلیدی: ایران، افغانستان، منافع مشترک، روابط اقتصادی، مزیت‌های نسبی

*- shirkhni@ut.ac.ir

** - safaiegholamsarvar@yahoo.com

مقدمه

دولت افغانستان در تلاش است که با کمک‌های بین‌المللی که برای بازسازی این کشور اختصاص یافته و جلب سرمایه‌گذاری خارجی موجب رونق اقتصادی این کشور شود. در کنفرانس بروکسل که در ماه اکتبر سال ۲۰۱۶ برگزار شد، دولت افغانستان برنامه استراتژیک پنج‌ساله دستیابی به خودکفایی، چارچوب ملی صلح و توسعه افغانستان را به جامعه جهانی معرفی نمود. «نمایندگان ۷۰ کشور جهان و ۳۰ سازمان بین‌المللی حاضر در کنفرانس، برای مساعدت توسعه سالانه ۳/۸ میلیارد دلار تا چهار سال آینده، به افغانستان متعهد گردیدند، این‌گونه حمایت پایدار در سطح عالی، نشان‌دهنده اعتماد جامعه بین‌المللی به دورنمای توسعه افغانستان می‌باشد» (World Bank, 2016:4-6). همچنین در کنفرانس ناتو^۱ در سال ۲۰۱۸ بر ادامه این کمک‌ها تا سال ۲۰۲۴ تأکید شده است. نتایج تلاش‌های توسعه در افغانستان هم‌اکنون ملموس و هویدا است: «میزان صادرات سالانه افغانستان به ۵۷۰ میلیون دلار افزایش یافته است که نشان‌دهنده افزایش ۱۵۰ میلیون دلاری نسبت به سال ۲۰۱۳ می‌باشد. میزان رشد بخش صنعتی افغانستان نیز از ۲,۴ درصد در سال ۲۰۱۴ به ۴,۱ درصد در سال ۲۰۱۵ ثبت گردیده است (بانک جهانی، «انجام تجارت در افغانستان»، ۲۰۱۷). افغانستان، همچنین، توانسته است تا از طریق وارد نمودن اصلاحات در سیاست‌های مربوط به تنظیم درآمد و کنترل مصارف، جایگاه مالی خود را نیز تقویت نماید».

روابط اقتصادی ایران و افغانستان در گذشته محدود بوده؛ ولی با توجه به شرایط جدید در منطقه تا حد زیادی می‌تواند گسترش یابد. «در سال ۱۳۵۰ روابط اقتصادی ایران و افغانستان در حدود ۱۰۰ هزار دلار بود و در سال ۱۳۵۵ به دلیل روابط جدید داودخان به ۶ میلیون دلار رسید. این روابط در ۹ ماهه اول سال ۱۳۵۶ به یک میلیون دلار رسید و در سال ۱۳۵۷ با سقوط رژیم‌های ایران (محمدرضا شاه) و افغانستان (داودخان) به پایان رسید و پس از آن‌ها تا زمان سقوط رژیم نجیب‌الله (ابتدای ۱۳۷۱ ه.ش) مبادلات رسمی صورت نگرفت» (علی‌آبادی، ۱۳۷۵: ۱۰۶-۸۳)، اما سرانجام سقوط طالبان باعث ایجاد فرصت‌های جدیدی برای ایران در افغانستان شد. پس از سقوط طالبان، ایران با شرکت در نشست‌های

مهم بین‌المللی در خصوص افغانستان مانند «نشست بن^۱ و نشست توکیو^۲» به نقش فعال‌تر خود ادامه داد. «درواقع کشور افغانستان در طول ۳۰ سال جنگ تمامی زیربنای اقتصادی خود را از دست داده است. در این دوره نوین که صلح نسبی ایجاد شده است باید همه چیز از صفر شروع شود، لذا افغانستان نیاز مبرم به کمک‌های خارجی و جامعه جهانی داشته است» (فرهنگ، ۱۳۹۵: ۷۸). ایران به دلیل قربت‌های فرهنگی، دینی، تاریخی و زبانی و هم‌جواری و مسافت کوتاه و... می‌تواند شریک تجاری قابل اعتماد و مهمی برای افغانستان باشد. از طرف دیگر افغانستان ظرفیت‌های خوبی برای جذب سرمایه‌گذاری و خدمات فنی و مهندسی دارد، که ایران با توجه به برخورداری مناسب از دانش‌های روز می‌تواند از این ظرفیت‌ها به‌خوبی استفاده نماید؛ اما آنچه دغدغه این پژوهش است چگونگی تداوم سیر صعودی روابط اقتصادی دو کشور است که تأمین منافع مشترک و دوجانبه اقتصادی، مبتنی بر مزیت‌های نسبی دو کشور راهکاری معقول و علمی معرفی می‌گردد. پژوهش حاضر شامل دو بخش می‌باشد. بخش نخست به چهارچوب نظری پژوهش و پیشینه روابط اقتصادی دو کشور می‌پردازد. در بخش دوم روابط اقتصادی و مبادلات تجاری ایران و افغانستان در دوره نوین نظام سیاسی افغانستان (۲۰۰۱ تا ۲۰۱۷) و چشم‌انداز آینده آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مباحث نظری

نظریات همگرایی منطقه‌ای

رویکردهای نظری مختلفی در خصوص همگرایی منطقه‌ای وجود دارد، بعضی از رویکردهای نظری، همگرایی منطقه‌ای را حاصل ارزش‌ها و هنجارهای مشترک اعضای شرکت‌کننده و معلول اجماع شکلی به معنای توافق آن‌ها درباره چارچوب سیاسی، اقتصادی و رویه‌های حل و فصل مسالمت‌آمیز مسائل می‌دانند (سیف زاده، ۱۳۸۸). برخی دیگر از رهیافت‌های نظری، «همگرایی منطقه‌ای را ناشی از الزامات و اجبارهای نظام بین‌الملل قلمداد می‌کنند» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۹۰). برخی از نظریه‌ها «دولت‌ها را بازیگران و تصمیم‌گیرندگان اصلی همگرایی منطقه‌ای تصور می‌کنند، درحالی‌که بعضی دیگر

۱- این کنفرانس در تاریخ (۲۷ نوامبر ۲۰۰۱) باهدف برپایی حکومت انتقالی مشروع، پایان جنگ و ترازوی در افغانستان، برقراری آشتی ملی، صلح و ثبات پایدار برگزار شد.

۲- در (ژانویه سال ۲۰۰۲) کشورهای شرکت‌کننده در این کنفرانس تعهد کردند تا چهار میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار برای بازسازی افغانستان کمک کنند.

از نظریه‌ها برای بازیگران غیردولتی فرا و فرو ملی نقش تعیین‌کننده قائل‌اند» (دهقانی فیروزآبادی، ۹۱-۹۰). کانتوری^۱ و اشپیگل^۲ نظام بین‌المللی را متشکل از چندین نظام تابعه منطقه‌ای می‌دانند: «هریک از این نظام‌های تابعه متشکل از یک، دو یا چند کشور هم‌جوار تعامل‌گر است که پیوندهای مشترک قومی، زبانی، فرهنگی، اجتماعی و تاریخی با یکدیگر دارند و گاه احساس همانندی و هویت آن‌ها با اقدامات و طرز تلقی کشورهای بی‌گانه که خارج از این نظام تابعه هستند تشدید می‌شود» (Cantori and 1970: 607 Spiegel).

۱- همگرایی سیاسی: هاس بنیان‌گذار نو کارکردگرایی، همگرایی سیاسی را این‌گونه تعریف می‌کند: «فرآیندی که از طریق آن بازیگران سیاسی در چندین کشور مختلف ترغیب می‌شوند که وفاداری‌ها، انتظارات و فعالیت‌های سیاسی‌شان را به سمت یک مرکز جدید که نهادها و دارایی اقتدار و اختیارات قانونی یا متقاضی آن‌ها از دولت‌های ملی پیشین می‌باشد، سوق دهند» (Hass, 1975:5). لئون لیندبرگ^۴ یکی دیگر از پیش‌قراولان نو کارکردگرایی، همگرایی سیاسی را «فرآیندی که از طریق آن کشورها از آرزو و توانایی هدایت سیاست خارجی، سیاست‌های کلیدی داخلی به‌صورت مستقل از یکدیگر صرف نظر می‌کنند و به‌جای آن، تلاش می‌کنند تصمیمات مشترک بگیرند یا فرایند تصمیم‌گیری را به یک سازمان جدیدی تفویض کنند» تعریف می‌کند (Lindberg, 1966:45-46). البته در اینجا هدف این پژوهش این نوع از همگرایی نمی‌باشد، اما در بلندمدت با توجه به پیشینه مشترک تاریخی، تمدنی، عقیدتی و هم‌زبانی دو کشور و شرایط منطقه این‌گونه همگرایی نیز غیر ممکن نیست.

۲- همگرایی اقتصادی: همگرایی اقتصادی به معنی افزایش وابستگی متقابل در یک منطقه بر پایه شاخص‌هایی چون بازرگانی درون منطقه‌ای و هماهنگ‌سازی روش‌ها، استانداردها و مقررات بازرگانی است. همگرایی اقتصادی در قالب چهار گونه تکامل می‌یابد: ناحیه تجارت آزاد^۷، اتحادیه گمرکی^۸، بازار مشترک^۹ و اتحادیه اقتصادی^{۱۰}. از میان آن‌ها اتحادیه گمرکی

1 -Cantori

2 -Spiegel

3- Political Convergence

4- Leon Lindberg

5- Economical Convergence

6- Free Trade Area

7- custom Union

8- Common Market

9- Economic Union

تأثیرگذارتر می‌باشد. «در این ترتیبات دولت‌ها تعرفه‌های گمرکی را از روابط تجاری میان خود حذف می‌کنند، اما یک تعرفه مشترک بیرونی تدوین می‌کنند و آن را علیه همه دولت‌های دیگر به کار می‌گیرند. در نتیجه در درون اتحادیه «تجارت آزاد» شکل می‌گیرد» (ایوانز و نونام، ۱۳۸۱: ۱۷۷)، لذا حذف تعرفه در میان کشورهای عضو و اتخاذ تعرفه مشترک در قبال دیگران، تجارت میان خود آن‌ها تشویق می‌شود و آن‌ها می‌توانند از این آزادی تجاری بهره ببرند. «هر کشور در تولید کالایی مزیت نسبی بیشتری دارد و می‌تواند آن را با هزینه کمتری تولید و عرضه کند و چون تجارت آزاد است، افراد در همه کشورهای عضو می‌توانند این کالاهای ارزان‌تر را بخرند، بنابراین رفاه آن‌ها با این تجارت آفرینی^۱ بیشتر می‌شود» (Mattli, 1999: 34-38). این بعد از همگرایی در مقطع کنونی می‌تواند مبنای همگرایی ایران و افغانستان قرار گیرد و ابعاد دیگر همگرایی مانند سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تحت تأثیر قرار گرفته و در نهایت همگرایی همه‌جانبه امکان‌پذیر می‌گردد.

قابل ذکر است که اشتراکات فرهنگی، آموزشی و توسعه روابط اجتماعی به تسهیل در همگرایی اقتصادی و سیاسی می‌انجامد. «همگرایی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در یک منطقه، منجر به منافع بیشتر برای کشورهای آن منطقه می‌شود. در سطح سیاسی، امنیت و هماهنگی سیاست‌گذاری‌ها، تنازع‌ها و تنش‌های منطقه‌ای را کاهش می‌دهد و سکویی برای هماهنگ‌سازی بیشتر منافع ایجاد می‌کند و منطقه را قادر می‌سازد تا به‌عنوان یک جبهه متحد در نظام جهانی عمل کند. از نقطه نظر اقتصادی، همگرایی زمانی کارآمد است که تلاش‌های معطوف به ایجاد تجارت بیشتر از تلاش‌های منجر به انحراف تجارت^۲ باشد» (قوام، ۱۳۸۴: ۴).

۳- نظریه‌های کارکردگرایی، ارتباطات و شرکای طبیعی: از میان نظریه‌های همگرایی مفروضات و گزاره‌ها و دیدگاه‌های نظریه‌های کارکردگرایی، ارتباطات و شرکای طبیعی چهارچوب نظری مناسبی فراهم می‌آورد. بر اساس نظریه کارکردگرایی «دولت‌های امروزی در تأمین نیازها و ضروریات حیات اجتماعی شهروندانشان عاجز و ناتوان هستند و لذا نیازهای فنی جوامع و امکاناتی که پاسخگوی آن نیازهاست؛ قدرت لازم را جهت ایجاد همگرایی منطقه‌ای دارد» (Mitrany, 1948: 350-356). دقیقاً این عاجز بودن در رفع نیازهای فنی امروزه در افغانستان

1 - Trade Creation

2 - Divergence Trading

مشاهده می‌شود و از طرف دیگر ایران نیز می‌تواند مشکلاتی مانند بحران آبی خود در شرق کشور را با این همکاری برطرف نماید. به‌علاوه کارکردگرایان موضوعات سیاست‌علی^۱ را از مسائل سیاست‌سفلی^۲، تفکیک می‌کنند؛ یعنی «همگرایی منطقه‌ای باید نخست در حوزه‌ها و ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فنی جامعه آغاز گردد؛ چون برخلاف مسائل حساسی چون حاکمیت ملی و سیاست خارجی که دولت‌ها آن را نشانه‌ای از استقلال خود می‌پندارند، دستیابی به همکاری و همگرایی در موضوعات اقتصادی و کارکردی که از حساسیت کمتری برخوردار است آسان‌تر می‌باشد» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۹۸). در خصوص ایران و افغانستان نیز، جهت دوری از حساسیت نظام‌های سیاسی دو کشور بهتر است که اقتصاد به دلیل جنبه نفع‌رسانی مشترک و سود متقابل اساس و مبنای رابطه دو کشور قرار گیرد.

بر مبنای نظریه ارتباطات، «وجود نوعی پیوندهای ناگسستنی و مهم در ارتباطات اجتماعی در ورای مرزهای مشترک سرزمین‌هایی که قرار است همگرایی میان آن‌ها صورت گیرد ضروری است» (Deutsch, 1966: 273-74). همین خصیصه میان ایران و افغانستان با داشتن مشترکات فرهنگی، عقیدتی، تاریخی، زبانی و... خود گویای امکان و تسهیل روابط دو کشور می‌باشد. بر پایه نظریه ارتباطات، «متقابل بودن پاداش‌ها در جریانات ارتباطی و مبادلاتی میان واحدهایی که قرار است به همگرایی دست یابند ضروری است» (Deutsch, 1966: 274). لذا روابط پایدار و مستمر اقتصادی ایران و افغانستان نیز باید بر مبنای متقابل بودن منافع و پاداش‌ها قرار گیرد و یک‌جانبه بودن منافع اقتصادی آسیب‌جدی در روابط اقتصادی دو کشور محسوب می‌شود. این نظریه تأکید می‌کند که: «همسازی ارزش‌های عمده، افزایش نخبگان سیاسی، کثرت ارتباطات و مبادلات متقابل از مهم‌ترین مؤلفه‌های همگرایی منطقه‌ای می‌باشد» (Ibid: 173). ایران و افغانستان دارای ارزش‌های مشترک وسیعی می‌باشند که نخبگان فرهنگی و ادبی و سیاسی مشترک مانند ابوعلی سینا، خواجه عبدالله انصاری، سید جمال‌الدین اسدآبادی و... نمونه‌های شاخص می‌باشند و به دلیل حضور چند میلیون مهاجر افغانستانی در ایران ارتباطات و مبادلات فرهنگی و تجاری گسترده‌ای بین دو کشور وجود دارد.

1 - High Politics

2 -Low Politics

نظریه شرکای طبیعی بر مبنای برقراری حجم تجارت بالا در میان دو یا چند کشور یا کمترین فاصله جغرافیایی تعریف می‌شود. بعضی از اقتصاددانان بر این باورند که ترتیبات تجاری منطقه‌ای بدین لحاظ که بین چند کشور در یک منطقه جغرافیایی (طبیعی) برقرار می‌شود، منافعی بیش از انحرافشان است. از طرف دیگر کروگمن^۱ نیز این نظر را مورد بحث قرارداد که اگرچه تجارت بر مبنای مزیت نسبی استوار است ولی تحت تأثیر مسائلی از قبیل جغرافیا نیز قرار دارد و حذف فاصله جغرافیایی، هزینه‌های حمل‌ونقل را کاهش می‌دهد. از این رو همسایگان در گستره وسیعی با یکدیگر به دادوستد می‌پردازند و در صورت تشکیل ترتیبات منطقه‌ای انحراف تجاری بسیار اندک خواهد بود (رحمانی و همکاران، ۱۳۸۵). طبق این نظریه، «همگرایی منطقه‌ای می‌تواند به گسترش تجارت بین اعضا، افزایش رفاه اقتصادی کشورهای عضو، افزایش صرفه‌های ناشی از مقیاس، بهبود رشد اقتصادی، افزایش کارایی فنی و... منجر گردد» (صادقی و دیگران، ۱۳۸۹: ۷). ایران و افغانستان به دلیل همسایگی و داشتن بیش از ۹۳۶ کیلومتر مرز مشترک دارای مسافتی کوتاه جهت مبادلات اقتصادی می‌باشند. بر مبنای نظریه شرکای طبیعی علاوه بر مزیت نسبی دو کشور، کوتاه بودن فاصله جغرافیایی منجر به کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل و در نتیجه تقویت همکاری‌های اقتصادی بین دو کشور خواهد شد.

پیشینه روابط اقتصادی ایران و افغانستان

روابط اقتصادی ایران و افغانستان از سال (۱۳۳۹ ه. ش) و با اقدام ایران در میانجیگری اختلافات افغانستان و پاکستان گسترش یافت و باعث شد ایران در نمایشگاه بین‌المللی کابل که به مناسبت پنجاهمین سالگرد استقلال افغانستان تشکیل شده بود شرکت کند. «پس از آنکه افغانستان در اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی متوجه شد که وابستگی اقتصادی و بازرگانی با شوروی چندان به صرفه نیست، به استفاده از راه‌های ترانزیتی ایران به‌ویژه بندرعباس و بنادر دیگر تمایل نشان داد؛ لذا در اوایل این دهه، روابط دو کشور وارد مرحله جدیدی شد و با میانجیگری ایالات متحده یک سری قراردادهای اقتصادی و بازرگانی بین دو کشور منعقد گردید» (عباسی و رنجبردار، ۱۳۹۰: ۲۱۲)؛ بنابراین «نیاز متقابل ایران و افغانستان به استفاده از راه‌های ترانزیتی و آب رود هیرمند، دو کشور را در زمینه‌های زیادی به هم نزدیک ساخت و میان دو کشور تعهداتی

1- Paul R. Krugman

در مورد اعطای بورس تحصیلی، شرکت مؤسسات ایرانی در رشته‌های راه و ساختمان، بیمه، استخراج نفت و گاز، ذوب آهن و کشاورزی و بازرگانی صورت گرفت» (حکمی، ۱۳۵۹: ۷۶-۵۸). ایران یکی از بهترین روابط اقتصادی خود را در دهه ۱۳۵۰ شمسی با افغانستان داشت. در واقع در زمان داود به‌ویژه اواخر حکومت وی روابط سیاسی و اقتصادی ایران گسترش چشمگیری یافت. از حدود سال ۱۹۷۴ به بعد، «از سوی مجامع غربی تصمیم بر این گرفته شد که حضور و نفوذ غرب در افغانستان تقویت گردد تا نفوذ کمونیسم در این کشور تا حدودی کنترل شود. در این راستا روند نزدیکی ایران و افغانستان تقویت و کمیسیون همکاری‌های اقتصادی تشکیل شد که به برنامه‌ریزی‌های عمرانی در افغانستان می‌پرداخت» (فرزان، ۱۳۸۳: ۱۲۰). علیرضا علی‌آبادی در کتاب «افغانستان» در این خصوص چنین می‌نویسد: «افزایش قیمت نفت در سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ و سال‌های بعد این امکان را برای کشورهای عربستان، کویت و به‌ویژه ایران، فراهم کرد که پیشنهاد یک‌رشته کمک‌های بلاعوض و گشایش اعتبارهای طولی‌مدت را به دولت افغانستان بنمایند. مهم‌ترین این کمک‌ها، پیشنهاد اعتبارهای مالی عظیم از سوی ایران در سال ۱۹۷۴ بود. شاه ایران یک کمک دو میلیارد دلاری را برای توسعه برنامه هفت‌ساله افغانستان در نظر گرفت» (علی‌آبادی، ۱۳۷۵: ۱۵۳). در مجموع «در دوره حکومت داودخان روابط ایران و افغانستان به‌سوی بهبودی کامل و گسترش در شفاق مختلف پیش می‌رفت، زیرا در سال ۱۳۵۵ روابط اقتصادی به شش میلیون دالر می‌رسید در حالی که در سال ۱۳۵۰ این رقم از حدود یک‌صد هزار دالر تجاوز نمی‌کرد. در سال ۱۹۷۴ میلادی نخستین کمیسیون همکاری تشکیل و پروتکلی در زمینه‌های کشاورزی، دامداری، صنعت، راه و... امضاء شد» (وزارت خارجه، ۱۳۷۵: ۲۷).

محمد صدیق فرهنگ مورخ افغان در خصوص روابط اقتصادی ایران و افغانستان در دوره داودخان در سال (۱۹۷۴م) می‌نویسد: «در این سال یک موافقت‌نامه ترانزیت بین ایران و افغانستان و سه پروتکل از جانب وزارت امور اقتصاد و دارائی ایران در تاریخ ۱۳۵۳/۶/۱۴ (۵ سپتامبر ۱۹۷۴) در کابل و تفاهم‌نامه‌ای درباره کمک بلاعوض ایران به افغانستان توسط همین وزارت خانه در ۱۳۵۳/۷/۳۰ (۲۲ اکتبر ۱۹۷۴) در تهران به امضاء رسید» (فرهنگ، ۱۳۸۵: ۷۴۱). توسعه روابط اقتصادی ایران و افغانستان حساسیت شوری را برانگیخت. «روابط دو کشور موجب برآشفگی شوری شد و در ثور ۱۳۵۸ کمیونست‌ها طی یک کودتای نظامی در افغانستان به قدرت رسیدند» (حمیدی، ۱۳۸۳: ۵۴).

با سقوط داودخان و روی کار آمدن حکومت‌های کمونیستی و در نهایت پیروزی انقلاب اسلامی ایران، کلیه روابط سیاسی و اقتصادی دولت‌های دست‌نشانده شوری در افغانستان قطع شد؛ زیرا ایران

هیچ‌گاه رژیم‌های کمونیستی حاکم بر کشور اسلامی افغانستان را به رسمیت نشناخت (محمدی، ۱۳۹۰). پس از خروج نیروهای شوروی و پیروزی مجاهدین و تشکیل حکومت اسلامی در کابل در سال ۱۳۷۱ ایران جزء نخستین کشورهایی بود که آن را به رسمیت شناخت و درصدد کمک و حمایت آن برآمد؛ و در نهایت با روی کار آمدن طالبان و قرائت افراطی از اسلام روابط سیاسی و اقتصادی دو کشور به شدت تیره شد اما قطع نگردید.

یافته‌های تحقیق

چگونگی روابط اقتصادی ایران و افغانستان در بازه زمانی (۲۰۱۷-۲۰۰۱)

در این بخش نخست به کمک‌های اقتصادی ایران به افغانستان و هدف از این کمک‌ها می‌پردازیم و سپس با توجه به روند مبادلات اقتصادی و تجاری دو کشور طی سال‌های (۲۰۱۷-۲۰۰۱) و آمارهای مراکز معتبر اقتصادی بین‌المللی و داخلی دو کشور اثبات می‌گردد که روابط اقتصادی بین دو کشور رشد داشته است. لذا دو پرسش مطرح می‌گردد که؛ اولاً این روند روبه رشد اقتصادی بین دو کشور چگونه می‌تواند تداوم و استمرار داشته باشد؟ و ثانیاً چشم‌انداز آینده این رابطه با توجه به وضعیت موجود رابطه اقتصادی بین دو کشور چگونه قابل ترسیم است؟

هدف و نقش کمک‌های تخصیصی ایران در بازسازی افغانستان

وقایع تروریستی ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱، فرصت لازم را برای نظام بین‌الملل به سرکردگی امریکا برای مقابله با رژیم طالبان فراهم کرد. «ایران به دلیل هم‌جواری و حضور نیروهای مجاهدین در کشور خود، سهم عمده‌ای در حذف طالبان از جغرافیای سیاسی افغانستان و تشکیل دولتی فراگیر به رهبری حامد کرزی داشت» (تمنا، ۱۳۸۷: ۳۰). بدین‌سان با استقرار شرایط باثبات در افغانستان، «ایران نیز با نگاه فرصت محور به شرایط کنونی افغانستان، تأسیس دولت کارآمد و ملی در آن‌سوی مرزهای شرقی را باعث دستیابی به منافع اقتصادی خاصی دانست؛ بنابراین می‌توان افغانستان را برای ایران منبع ثروت یابی و تأمین امنیت ملی تصور کرد» (همان: ۳۲). به نظر می‌رسد ایران بنا به علل اقتصادی و عوامل امنیتی و

فرهنگی و اعتقادی مصمم شد تا در بازسازی افغانستان مشارکت کند. این روند در اجلاس توکیو^۱ و با حضور جامعه جهانی برای بازسازی زیرساخت‌های ویران‌شده افغانستان تجلی بیشتری پیدا کرد. ایران نیز با حضور در این کنفرانس، ۵۶۰ میلیون دالر کمک به افغانستان را تعهد کرد که مقرر شد ۲۵۰ میلیون دالر به صورت بلاعوض و ۲۵۰ میلیون دالر به صورت اعتبار صادراتی^۲ و ۶۰ میلیون دالر به شکل کمک بلاعوض نهادهای مردمی طی ۵ سال پرداخت شود (لایحه مشارکت جمهوری اسلامی ایران در کمک به بازسازی افغانستان، مصوبه مجلس شورای اسلامی مورخ ۱۳/۵/۱۳۸۱). در تعهد این کمک‌ها، رویکرد امنیتی و اقتصادی نقش اساسی ایفا می‌کرد. این رویکردها ایران را به مقام پنجمین کشور کمک‌دهنده به بازسازی افغانستان ارتقاء داد.

جدول شماره (۱): میزان کمک برخی از کشورها به افغانستان در کنفرانس توکیو (سال ۲۰۰۲م)

کشور کمک‌کننده	میزان کمک	مدت زمان کمک
جمهوری اسلامی ایران	۵۶۰ میلیون دالر	۲۰۰۲ تا ۲۰۰۶
ایالات متحده امریکا	۲۹۷ میلیون دالر	برای سال ۲۰۰۲
ژاپن	۵۰۰ میلیون دالر	برای سال ۲۰۰۲
اتحادیه اروپا	۵۰۰ میلیون دالر	برای سال ۲۰۰۲
هند	۵۵۰ میلیون دالر	۲۰۰۲ تا ۲۰۰۶
عربستان سعودی	۲۲۰ میلیون دالر	در سه سال
بانک جهانی	۵۰۰ میلیون دالر	در ۳۰ ماه

منبع: (تمنا، ۱۳۸۷: ۱۶۴)

از آنجاکه هدف اصلی کمک‌های جمهوری اسلامی ایران، انجام پروژه‌های زیربنایی و زیرساختی در افغانستان در چهارچوب رویکردهای فوق بود، بیشتر کمک‌های مربوط در کارگروه اقتصادی هزینه شد.

۱- در این کنفرانس ۷۲ کشور و سازمان منطقه ای و بین المللی آمادگی خود را برای کمک به بازسازی افغانستان اعلام کردند. مقرر شد این کمک‌ها که بالغ بر ۱۳ میلیارد دلار آن به صورت بلاعوض ۲/۳ میلیارد دلار آن وام بود، با نظارت بانک جهانی و سازمان ملل متحد در یک دوره ۵ تا ۷ ساله (۱۳۸۱ تا ۱۳۸۸ م.ش) پرداخت شود. در نتیجه در این کنفرانس، کمک‌های بین المللی که حوزه‌های مهم زیرساختی، سیاسی، امنیتی و اقتصادی را در بر می‌گرفت به افغانستان اختصاص یافت. (World Bank, 2006: 1-3)

«در مجموع ۱۳ دستگاه مجری به انجام ۴۹ پروژه اقتصادی وزیر بنایی در افغانستان پرداختند» (مجموعه گزارش‌های سازمان سرمایه‌گذاری ایران، نقل در عباسی و رنجبردار، ۱۳۹۰: ۲۱۷).

جدول شماره (۲): نحوه توزیع اعتبارات بین کارگروه‌های چهارگانه ستاد مشترک در بازسازی افغانستان

طی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۸۵ واحد: میلیارد ریال

سال/عنوان کارگروهی	کارگروه اقتصادی	کارگروه علمی، آموزشی، فرهنگی	کارگروه سیاسی	کارگروه بین‌الملل	هزینه دبیرخانه ستاد و کارگروه‌ها	جمع کل
اعتبار تخصیص داده‌شده در سال ۱۳۸۱	۲۷۴/۹۳۱	۳۵/۳۵۰	۳۶/۵۶۶	۱۵/۴۰۰	۱/۹۰۰	۳۶۴/۱۴۷
اعتبار تخصیص داده‌شده در سال ۱۳۸۲	۳۰۲/۵۹۹	۲۴/۵۹۰	۲۱/۹۶۰	۴/۰۵۰	۳/۱۱۰	۳۵۶/۳۰۹
اعتبار تخصیص داده‌شده در سال ۱۳۸۳	۳۳۵/۵۰۴	۳۰/۰۵۰	۱۵/۴۷۲	-	۲/۵۴۰	۳۸۳/۵۶۶
اعتبار تخصیص داده‌شده در سال ۱۳۸۴	۲۱۴/۲۰۴	۲۹/۱۰۰	۱۳/۱۴۰	-	۳/۰۰۰	۲۵۹/۴۴۴
اعتبار تخصیص داده‌شده در سال ۱۳۸۵	۳۹۳/۶۴۰	۵۲/۲۷۶	۱۷/۶۰۰	-	۴/۶۸۰	۴۶۸/۱۹۶
جمع کل	۱۵۲۰/۸۷۸	۱۷۰/۹۴۲	۱۰۴/۷۳۸	۱۹/۴۵۰	۱۵/۲۳۰	۱۸۳۱/۶۶۲

منبع: (فرهنگ، ۱۳۹۵: ۱۸۹)

مهم‌ترین پروژه‌های احداث‌شده توسط ایران در افغانستان

- ۱- جاده دوغارون- هرات: این جاده به طول ۱۲۷ کیلومتر و عرض ۱۱ متر از پایانه مرزی دوغارون در استان خراسان رضوی شروع و پس از گذر از چهار شهر به هرات، یکی از مراکز عمده مبادلاتی تجاری و اقتصادی کشور افغانستان می‌رسد (مجموعه گزارش‌های پیشرفت کار پروژه احداث جاده دوغارون - هرات ۸۳-۱۳۸۱).
- ۲- احداث پل مرزی میلک: این پل باعث رونق و توسعه استان نیمروز و شهر زرنج افغانستان شده است.

۳- احداث راه هرات به ارملک: این محور عملاً ارتباط ۸ ولایت شمال و شمال غرب افغانستان با یکدیگر و ایران را برقرار کرده و امکان برقراری ارتباط ترانزیتی کشورهای آسیای مرکزی به‌ویژه تاجیکستان و ازبکستان را از طریق خاک افغانستان به ایران فراهم می‌کند (گزارش پیشرفت عملیات اجرایی محور هرات - ارملک، ۱۳۸۴).

۴- پروژه راه‌آهن هرات - خواف: پروژه راه‌آهن هرات - خواف حدود ۱۴۲ کیلومتر طول دارد که ۶۰ کیلومتر آن در داخل افغانستان ساخته می‌شود و ۸۰ کیلومتر دیگر آن در خاک ایران واقع است (وزارت راه و شهرسازی، شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل‌ونقل کشور <http://adsl.tcsem.ir>).

۵- اتصال میلک ایران به زرنج افغانستان: این راه «میلک ایران» را به زرنج افغانستان متصل می‌کند و از زرنج تا دلارام افغانستان توسط کشور هند تعمیر شده است (سایت استانداری سیستان و بلوچستان <https://www.sbportal.ir/fa>).

لذا در این قسمت چنین نتیجه‌گیری می‌شود که همگام با جامعه جهانی ایران نقش فعالی در مشارکت جهت بازسازی افغانستان و شکل‌گیری زیرساخت‌های اقتصادی این کشور (به‌خصوص نواحی غربی افغانستان و هم‌مرز با ایران) داشته است و البته کمک‌های ایران در راستای منافع اقتصادی، ملی و امنیتی خودش نیز بوده است.

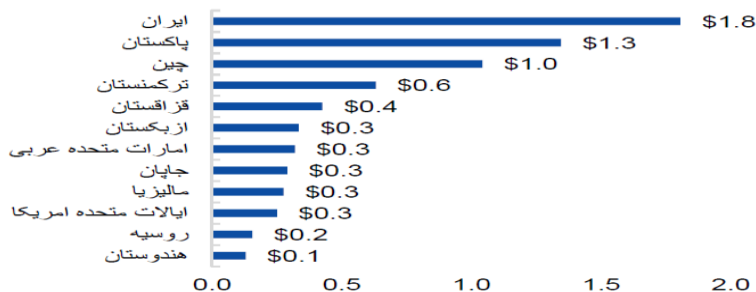
بررسی روند تجارت و روابط اقتصادی ایران - افغانستان (بازه زمانی ۲۰۱۷-۲۰۰۱)

جریان تجارت با افغانستان در سال‌های گذشته کاملاً یک‌طرفه و به نفع ایران بوده است. «صادرات ایران به افغانستان از ۵۰۰ میلیون دالر در سال ۱۳۸۴ به حدود ۳ میلیارد دالر در بالاترین حد خود در سال ۱۳۹۱ رسید و پس‌از آن متأثر از شرایط تحریم کاهشی ۵۰۰ میلیون دالری را تجربه نمود اما مجدداً از سال ۱۳۹۵ تغییر جهت داده و مسیر رشد مثبت را در پیش گرفت» (سازمان توسعه تجارت ایران، ۱۳۹۵). در میان ۵ قلم عمده صادراتی ایران به افغانستان، «اقلام صادراتی داروها، کف‌پوش‌ها، پودر رخت‌شویی، پوشاک و شیرینی‌جات تا سال ۹۰ عمده‌ترین عناوین صادراتی را شکل می‌دهند، اما بعد از سال ۹۰ این اقلام بیشتر به سمت مواد شیمیایی و فلزی سوق یافته چنانکه اقلام عمده شامل حلال‌ها و رقیق‌کننده‌ها، سایر هیدروکربورهای حلقوی، نفت یا روغن‌های معدنی قیری، میله‌های آهنی یا فولادی شده‌اند» (سازمان توسعه تجارت ایران، ۱۳۹۵: ۷). «در حال حاضر، ایران به بزرگ‌ترین صادرکننده کالا

به افغانستان مبدل گردیده است که با عرضه پنجمین دور واردات کالا به افغانستان در سال ۲۰۱۵ از پاکستان سبقت گرفت» (World Bank, 2016).

نمودار شماره (۱): بزرگترین بازارهای وارداتی افغانستان (۲۰۱۵)

ب. بزرگترین بازارهای وارداتی افغانستان، سال ۲۰۱۵



منبع: اداره مرکزی احصائیه و UN COMTRADE

ارزش واردات افغانستان از جهان در سال ۱۳۹۴ سیر نزولی داشته است اما واردات از ایران سیر صعودی داشته است. در واقع در سال ۱۳۹۴ شاهد رشد ۸/۷ درصدی مبادلات تجاری بین ایران و افغانستان بوده ایم (سازمان توسعه تجارت ایران، ۱۳۹۵). بر اساس آمار اعلام شده از سوی رایزن تجاری افغانستان در ایران «در سال ۱۳۹۴، ۸،۰۷۹،۲۳۶ دلار واردات از افغانستان به ایران صورت گرفته است و افغانستان در سال ۱،۲۶۸،۵۷۹،۹۶۹ دلار صادرات از ایران به افغانستان بوده است» (فرهنگ، ۱۳۹۵: ۳۴۴-۳۴۲). این حجم از مبادلات بین دو کشور در بازه زمانی یک سال در تاریخ روابط تجاری ایران و افغانستان کم سابقه بوده است. این ارقام مبادلات رسمی و حقیقی بین دو کشور می باشد و البته از کانال های قاچاق و غیررسمی نیز خروج و ورود کالا صورت می گیرد.

جدول شماره (۳): وضعیت تجارت ایران و افغانستان طی سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۸۴

سال	ارزش صادرات (میلیون دالر)	ارزش واردات (میلیون دالر)	تراز تجاری (میلیون دالر)	متوسط قیمت صادرات (دالر/کیلوگرم)	متوسط قیمت واردات (دالر/کیلوگرم)	رشد (درصد)
۱۳۸۴	۴۹۷	۶	۴۹۱	۰/۶	۰/۷	-
۱۳۸۵	۵۱۵	۹	۵۰۶	۰/۸	۰/۵	۳/۶
۱۳۸۶	۵۳۹	۹	۵۳۰	۰/۹	۰/۴	۴/۸
۱۳۸۷	۶۳۳	۱۱	۶۲۲	۱/۰	۰/۵	۱۷/۳
۱۳۸۸	۱۰۰۲	۱۵	۹۸۷	۱/۰	۰/۶	۵۸/۴
۱۳۸۹	۱۳۶۲	۱۲	۱۳۵۰	۰/۷	۰/۶	۳۵/۹
۱۳۹۰	۲۱۷۹	۱۰	۲۱۶۹	۰/۷	۰/۶	۶۰/۰
۱۳۹۱	۲۸۴۷	۲	۲۸۴۵	۰/۸	۰/۴	۳۱/۹
۱۳۹۲	۲۴۱۷	۳۲	۲۳۸۵	۰/۷	۱/۳	-۱۵/۹
۱۳۹۳	۲۳۷۶	۱۳	۲۳۶۳	۰/۷	۱/۰	-۱/۷
۱۳۹۴	۲۵۸۲	۲۶	۲۵۵۶	۰/۶	۱/۰	۸/۷

منبع: (سازمان توسعه تجارت ایران، http://www.tpo.ir/uploads/report-15_countries-95.pdf)

بر اساس آمار گمرک ایران، ارزش صادرات کالاهای غیر نفتی ایران که از مبادی قانونی به افغانستان صادر شده، در سال ۱۳۸۱ بالغ بر ۱۵۰ میلیون دالر بوده است، در همین سال ارزش دلاری واردات ایران از افغانستان ۵۰۴ هزار دالر بوده است و در دوره مشابه سال ۱۳۸۲ ارزش صادرات ایران به افغانستان به ۲۶۰ میلیون دالر رسید و واردات ایران از این کشور نیز ارزشی معادل ۱/۸ میلیون دالر را به خود اختصاص داد. این آمار نسبت به دوره‌های مشابه در سال‌های پیش (۱۳۸۰ و پیش از آن) افزایش به ترتیب ۳ و ۶ برابر داشته است. این در حالی است که حجم مبادلات دو کشور در سال ۱۳۸۸ به ۹۰۰ میلیون دالر رسید. آمار فوق حجم مبادلات غیر نفتی را نشان می‌دهد. درحالی‌که اگر تأمین نیازهای انرژی افغانستان از ایران، صدور خدمات فنی و مهندسی و ورود و خروج غیر قانونی مبادلات را به آن بیفزاییم به چند میلیارد دالر می‌رسد (گمرک جمهوری اسلامی ایران، آمار سال‌های مختلف).

جدول شماره (۴) آمار کلی مبادلات بازرگانی کالاهای غیر نفتی ایران با افغانستان طی سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۷۹

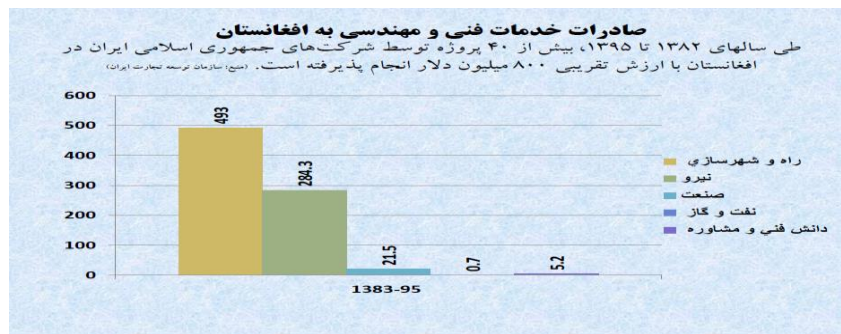
۱۳۷۹ واحد: هزار دلار

سال	ارزش صادرات	ارزش واردات	تراز بازرگانی
۱۳۷۹	۴۱/۱۸۷	۹۸۳	۴۰/۲۰۴
۱۳۸۰	۵۱/۹۲۴	۷۲۹	۵۱/۱۸۵
۱۳۸۱	۱۵۰/۰۹۱	۵۰۴	۱۴۹/۵۸۷
۱۳۸۲	۲۵۹/۹۲۴	۱/۸۰۳	۲۵۸/۱۳۱
۱۳۸۳	۳۶۰/۸۴۸	۴۷۷	۳۶۰/۲۷۱
۱۳۸۴	۰۷۴/۴۹۷	۶/۳۴۵	۴۹/۷۲۹
۱۳۸۵	۴۵۲/۲۹۳	۸/۳۲۴	۴۱۶/۹۶۹
۱۳۸۶	۵۴۲/۶۸۰	۸/۹۳۶	۴۷۹/۴۳۶
۱۳۸۷	۵۹۰/۴۲۹	۱۱/۲۰۰	۵۷۹/۲۲۹
۱۳۸۸	۸۷۶/۰۰۰	۱۱/۰۰۰	۸۶۵/۰۰۰

منبع: گمرک ایران

علاوه بر گسترش حجم مبادلات تجاری، میزان سرمایه‌گذاری افغانی‌ها نیز در ایران تحت قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری به بیش از ۶۰ میلیون دلار رسیده است (آمار سرمایه‌گذاری خارجی، سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران). با تأسیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن دو کشور از سال ۱۳۸۱، موافقت‌نامه‌های زیادی در زمینه حمل‌ونقل، ترانزیت، همکاری گمرکی و بازرگانی و سرمایه‌گذاری به امضاء رسیده و بنیادهای حقوقی روابط دو کشور شکل گرفته است.

نمودار شماره (۲): صادرات خدمات فنی و مهندسی به افغانستان توسط شرکت‌های ایرانی



منبع: وزارت راه و شهرسازی ایران

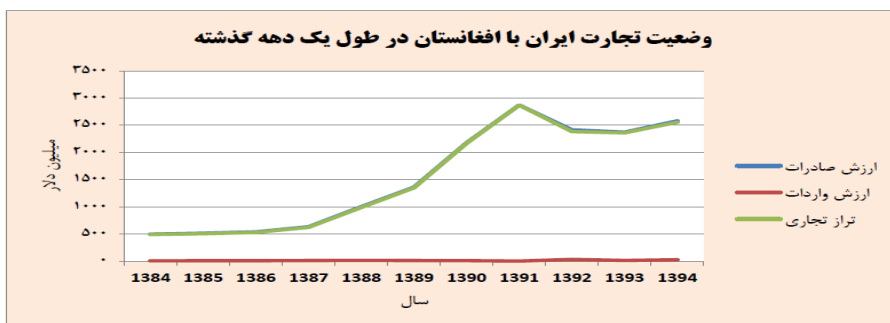
آمارها و ارقام فوق حاکی از این است که روابط اقتصادی دو کشور در بازه زمانی (۲۰۱۷-۲۰۰۱) رشد داشته است. گرچه این رشد همراه با فراز و فرود در ۱۶ سال گذشته بوده است اما در تاریخ روابط دو کشور و در مقایسه با کشورهای منطقه قابل توجه می‌باشد.

چشم‌انداز آینده روابط اقتصادی ایران و افغانستان

بر مبنای آمار و ارقام گزارش‌های سالانه بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در خصوص رشد اقتصادی افغانستان باید گفت که تغییرات و تحولات بوجود آمده در افغانستان از جمله ایجاد نظام بانکداری و سرمایه‌گذاری و حضور ده‌ها کشور در بازار افغانستان و بهبود نسبی وضعیت امنیت و تصویب ساختارهای قانونی سرمایه‌گذاری در این کشور شرایط بسیار مساعدی برای سرمایه‌گذاری فراهم شده است. در چنین شرایطی روند مبادلات تجاری ایران و افغانستان سیر صعودی داشته است، به طوری که «هم‌اکنون مبادلات دو کشور نزدیک سه میلیارد دالر در سال برآورد می‌شود» (اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران و افغانستان، ۱۳۹۶) و براساس پیش‌بینی‌های بانک جهانی این رشد در سال‌های آتی ادامه می‌یابد.

نرخ رشد سالیانه صادرات ایران به افغانستان در سال (۱۳۸۷ ه.ش) نزدیک به ۲۰٪ و در (سال ۱۳۸۸) ۵۷٪ و در (سال ۱۳۹۰)، ۶۰٪ و سپس کمی سیر نزولی داشته است اما از سال ۱۳۹۴ دوباره سیر صعودی گرفته است (سازمان توسعه تجارت ایران، مهرماه ۱۳۹۵).

نمودار شماره (۳): وضعیت تجارت ایران و افغانستان در طول یک دهه گذشته

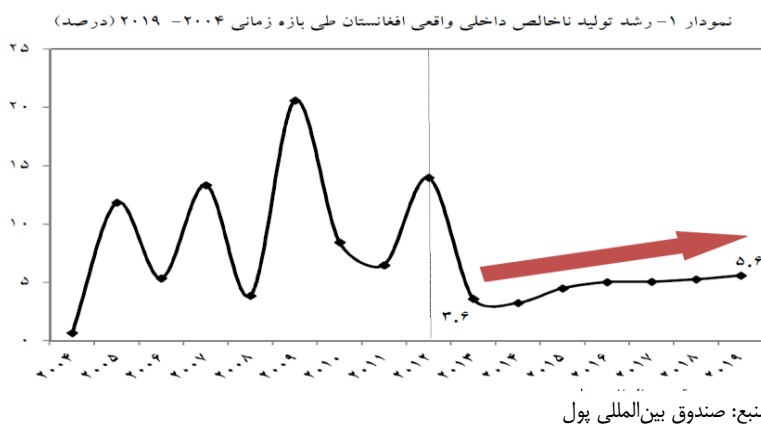


منبع: سازمان توسعه تجارت ایران

پیش‌بینی‌های اقتصادی حاکی از آن است که «میزان رشد به تدریج از ۱.۹ درصد در سال ۲۰۱۶ به ۳.۶ درصد در سال ۲۰۱۸ افزایش یابد، مشروط بر اینکه وضعیت سیاسی افغانستان ثبات بیشتر بیابد و اصلاحات برنامه‌ریزی شده به طور موفقیت‌آمیز اجرا گردند» (گزارش اقتصادی افغانستان، بانک جهانی، ۲۰۱۶).

نمودار شماره (۴): پیش‌بینی بانک جهانی در خصوص رشد تولید ناخالص داخلی واقعی افغانستان (۲۰۱۹-۲۰۰۴)

(۲۰۰۴)



براساس نمودار قبل، صندوق بین‌المللی پول چشم‌انداز مثبت و روبه‌رشدی را تا سال ۲۰۱۹ میلادی برای افغانستان پیش‌بینی کرده است. لذا می‌توان گفت «با توجه به رشد تولید ناخالص داخلی افغانستان طی سال‌های آتی، این کشور می‌تواند فرصت مناسبی را برای سرمایه‌گذاری در برخی زمینه‌ها برای ایران ایجاد نماید و به لحاظ همسایگی با ایران، مزیت رقابتی برای کشور ایران محسوب می‌شود» (اتاق بازرگانی، صنایع و معادن ایران، ۱۳۹۲).

جدول شماره (۵): چارچوب اقتصاد بزرگ میان مدت افغانستان، ۱۳۹۵
(پیش‌بینی بانک جهانی)

۲۰۱۸ (پیش‌بینی بانک جهانی)	۲۰۱۷	۲۰۱۶	۲۰۱۵	۲۰۱۴	۲۰۱۳	۲۰۱۲	
۳۶	۲۹	۱۹	۱۵	۱۳	۳۷	۱۴۴	رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی (%)
۱,۴۴۰	۱,۳۲۹	۱,۳۴۱	۱,۱۷۹	۱,۱۵۱	۱,۱۳۳	۱,۰۶۱	تولید ناخالص داخلی اسمی (میلیارد افغانی)
۴۰	۳۵	۳۰	-۱۵	۴۶	۷۴	۶۴	تورم شاخص قیمت‌های مواد مصرفی (اواسط دوره) (%)
برحسب درصد تولید ناخالص داخلی							سکتور مالی
۳۲۶	۳۰۵	۲۸۶	۲۵۷	۲۴۴	۲۴۱	۲۳۲	عواید و کمک‌های مالی
۱۱۶	۱۱	۱۰۷	۱۰۴	۸۷	۹۷	۱۰۳	عواید داخلی
۲۱	۱۹۵	۱۷۹	۱۵۴	۱۵۷	۱۴۴	۱۳	کمک‌های خارجی
۳۳۵	۳۱۵	۲۹۴	۲۷	۲۶۲	۲۴۶	۲۳۸	کل مصارف اصلی
۲۵	۲۳۴	۲۱۶	۲۰	۱۹۸	۱۷۵	۱۷۱	مصارف عادی
۸۵	۸۱	۷۸	۷	۶۳	۷۱	۶۷	مصارف انکشافی
۹	-۱۰	۷	۳	-۱۸	۵	۵	بیانسن کلی (شامل کمک‌ها)
-۲۱,۹	-۲۰,۵	-۱۸,۶	-۶,۷	-۱۷,۵	-۱۴,۹	-۱۳,۵	بیانسن کلی (به استثناء کمک‌ها)
							سکتور خارجی
-۴۱,۳	-۴۰,۶	-۴۱,۱	-۳۸	-۳۹,۶	-۴۱,۶	-۴۵,۸	بیانسن تجارتي
۴,۵	۴,۲	۴,۶	۵,۵	۸,۰	۷,۴	۶,۲	بیانسن حساب جاری (شامل کمک‌های مالی)

منبع: گزارش اقتصادی افغانستان ۲۰۱۶، بانک جهانی

علاوه بر موارد فوق، رشد اقتصادی در سال (۲۰۱۵ م) به رقم ۱.۵ درصد رسید که افزایش اندکی را نسبت به رشد ۱.۳ درصد در سال ۲۰۱۴ نشان می‌دهد (در بخش صنایع ۴,۱ درصد و خدمات ۲.۸ درصد و در بخش زراعت ۲ - درصد بود). پس از چند سال کاهش، سطح سرمایه‌گذاری بهبود یافت، چنانکه تعداد جواز و ثبت شرکت‌های جدید در سال ۲۰۱۵ افزایش یافت. تورم پولی به ۱.۵- درصد کاهش یافت، درحالی‌که این رقم در سال ۲۰۱۴ به میزان ۴.۵ درصد بود (بانک جهانی «گزارش اقتصادی افغانستان»، ۲۰۱۵).

از نگاه بانک جهانی، کشور افغانستان توانسته رتبه شاخص سهولت کسب‌وکار خود را طی سال‌های اخیر از ۱۷۰ به ۱۶۴ (در میان ۱۸۹ کشور جهان) ارتقاء دهد و فاصله‌اش تا کشورهای پیشرو ۸۳/ درصد بهبود یابد. براساس گزارش سهولت کسب‌وکار بانک جهانی سال ۲۰۱۴، افغانستان از نظر معیار شروع کسب‌وکار در میان ۱۸۹ کشور جهان رتبه ۲۴ را به خود اختصاص داده است. از جمله اقداماتی که در این کشور صورت گرفته، کاهش زمان و هزینه مجوز شروع کسب‌وکار است.^۲ بر مبنای گزارش فوق ایران در رتبه ۱۵۲ در میان کشورهای جهان قرار گرفته است. همچنین «عوااید داخلی به ۱۰/۲ درصد GDP در سال ۲۰۱۵ رسیده که این رقم بیشتر از ۸/۷ درصد سال ۲۰۱۴ می‌باشد» (World Bank, 2016).

آمارهای ارائه‌شده از سوی گمرک جمهوری اسلامی ایران، بیانگر رشد ۴۵,۵۴ درصدی صادرات گمرکی ایران به افغانستان طی بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۲ بوده است. به عبارتی صادرات ایران به افغانستان ۴۵/۵ برابر شده است. این موضوع در حالی است که در همین دوران کل صادرات گمرکی ایران در مجموع ۶۴۳ درصد رشد داشته و ۷/۴ برابر شده است (گمرک جمهوری اسلامی ایران). بنا بر گزارشات سازمان تجارت جهانی^۳، ایران چهارمین شریک تجاری افغانستان در سال ۲۰۱۲ محسوب می‌شده است. آمارهای مرکز تجارت بین‌المللی^۴ نشان می‌دهد که در این سال ۸ درصد واردات افغانستان از طریق ایران تأمین شده است (گزارش اقتصادی، اتاق بازرگانی، صنایع و معادن ایران، ۱۳۹۲). بنابراین براساس آمارهای اعلامی از سوی وزارت مالیه افغانستان و نهادهای رسمی ایران و گزارشات بانک جهانی روند مبادلات بازرگانی ایران و افغانستان روبه رشد بوده و پیش‌بینی می‌گردد که این روند همچنان در

1 - DOING BUSINESS, 2014, Economy Profile: Afghanistan.

2 - <http://www.doingbusiness.org/data/exploreeconomies/afghanistan/#getting-credit> (28May 2014)

3 - World Trade Organization

4 - International Trade Center

سال‌های آتی ادامه داشته باشد. از دلایلی که باعث افزایش رشد چشمگیر تجارت بین ایران و افغانستان طی بازه زمانی (۲۰۱۷-۲۰۰۱) شده است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: سطح بالای تکنولوژی، دانش فنی، کیفیت کالاها و خدمات و تجربه و مهارت مدیران و مهندسان ایرانی در مقایسه با سایر کشورهای منطقه؛ همسایگی و وجود مرز طولانی، اشتراکات تاریخی، دینی، فرهنگی و زبانی، پیوندهای قومی و خویشاوندی، همچنین حضور میلیون‌ها افغانستانی‌ها طی بیش از سه دهه در ایران و آشنایی با کالاهای ایرانی، خدمات، مهارت‌ها و الگوی مصرف ایران؛ تمایل و علاقه دولت افغانستان، بخش خصوصی و مردم این کشور به توسعه همکاری‌های اقتصادی با ایران؛ شناخت کامل از وضعیت اقلیمی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی افغانستان؛ دسترسی آسان به مواد اولیه، تجهیزات و ماشین‌آلات مورد نیاز بازاری و نوسازی، امکانات حمل‌ونقل و رفت‌وآمد سریع و آسان به دلیل نزدیکی و در نهایت فقدان قوانین محدودکننده با توجه به نوپا بودن ساختار سیاسی کشور افغانستان (فرهنگ، ۱۳۹۵).

آمارهای گمرک ایران نشان می‌دهد که «افغانستان طی سال‌های گذشته با ۲۰ پله صعود و آمدن از رتبه ۲۵ به ۵ به‌عنوان یکی از کشورهای است که حجم بالای کالاهای ایرانی را به خود اختصاص داده است» (گمرک جمهوری اسلامی ایران، www.irica.gov.ir). بنابراین بر اساس آمارهای موجود و روند توسعه مبادلات اقتصادی و تجاری دو کشور و دیدگاه‌های کارشناسان منابع معتبر اقتصادی بین‌المللی نظیر بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول چشم‌انداز روابط اقتصادی دو کشور بسیار مثبت و قابل ارتقاء می‌باشد؛ البته ظرفیت‌های اقتصادی و پتانسیل‌های موجود بین دو کشور بسیار بیشتر است که این موضوع همت و تلاش سیاست‌گذاران دو ملت را می‌طلبد تا با بهره‌گیری از آن و اتخاذ سیاست‌های مناسب روابط اقتصادی دو کشور را بیش از پیش بهبود بخشند.

راهکارها و سیاست‌ها جهت تسریع و تداوم رشد روابط اقتصادی بین ایران و افغانستان

در بخش‌های قبلی به این نتیجه رسیدیم که بر اساس آمارهای معتبر اعلامی از سوی نهادهای بین‌المللی و داخلی، ایران و افغانستان در طی ۱۷ سال گذشته روابط اقتصادی رو به رشدی را تجربه کرده است و افق روابط دو کشور مثبت و قابل ارتقاء ارزیابی می‌گردد. حال این سؤال مطرح می‌شود که

راهکارهای عملی و اجرایی جهت تداوم این مسیر و تسریع آن چیست؟ در ادامه سه اصل کلی که می‌تواند تضمین‌کننده این امر باشد مطرح می‌گردد:

۱- رابطه دو کشور باید مبتنی بر مزیت‌های نسبی^۱ دو کشور قرار داده شود

کارشناسان مسائل اقتصادی بر این باورند که در اقتصاد باید روابط برد - برد^۲ حاکم باشد نه یک‌جانبه تا هر دو طرف انگیزه ادامه بازی را داشته باشد و گرنه متوقف می‌شود. لذا چنانچه خواهان رابطه‌ای مستحکم بین دو کشور می‌باشیم باید رابطه اقتصادی دو کشور بر محور مزیت‌های نسبی قرار گیرد تا انگیزه کافی برای تداوم رابطه وجود آید. «واژه مزیت نسبی در ابتدا توسط آدام اسمیت^۳ در ادبیات تجارت بین‌الملل مطرح گردید. بر اساس نظرات اسمیت چنانچه کشوری بتواند کالایی را ارزان‌تر از کشور دیگر تولید نماید و کشور مقابل نیز کالای دیگری را ارزان‌تر از کشور نخست تولید کند، هریک از کشورها در تولید کالایی که ارزان‌تر تولید کرده‌اند مزیت دارد. این نظریه به تئوری مزیت مطلق اسمیت معروف است» (صادقی و دیگران، ۱۳۸۹: ۴). چندی بعد اقتصاددان دیگری به نام دیوید ریکاردو^۴ نظریه مزیت نسبی را مطرح کرد «بر اساس نظریه مزیت نسبی ریکاردو (که بر نظریه ارزش کار مبتنی است) یک کشور درگیر در تجارت بین‌المللی بایستی کالایی را صادر نماید که در آن بیشترین مزیت مطلق با کمترین عدم مزیت مطلق را دارا می‌باشد» (همان: ۴).

ایران و افغانستان هریک در تولید کالاهایی مزیت نسبی دارند و می‌توانند آن را با هزینه کمتری تولید و عرضه کنند. محمدرضا کریم‌زاده، رایزن بازرگانی ایران در افغانستان مزیت‌های ایران را در بازار افغانستان این‌گونه برمی‌شمارد: «صنایع تبدیل کشاورزی، صنایع دامپروری، تأمین مواد اولیه قالی، سیمان، محصولات بهداشتی ساختمان، توریسم درمانی و گردشگری، قرابت فرهنگی دو کشور و اعتماد به مصرف کالاهای ایرانی، سوخت، انرژی، نزدیکی مسیر، نیاز افغان‌ها به خدمات فنی و مهندسی، موقعیت خوب کالاهای ایرانی نزد طیف وسیع مهاجرانی که در ایران بوده‌اند، نقاط قوت ایران در تجارت با افغانستان است» (خبرگزاری ایسنا، ۱۱ اسفند ۱۳۹۴، <http://www.isna.ir/news/94121107574>). همچنین سید

1 -Comparative Advantage

2- Win-Win Relation

3- Adam Smit

4- D.Ricardo

مسعود، استاد اقتصاد دانشگاه کابل، در خصوص مزیت‌های نسبی افغانستان می‌گوید: «گلیب، دامداری، سنگ‌های قیمتی، تورسیم، سنگ مرمر، انرژی‌های نو و صنایع دستی، میوه، لبنیات و ادویه از مزیت‌های نسبی افغانستان می‌باشد» (همان، <http://www.isna.ir/news/94121107574>).

۲- رابطه دو کشور باید بر اساس منافع مشترک و دو جانبه قرار داده شود

کمک‌های یک‌جانبه ایران در گذشته و حال هرچند که در کوتاه‌مدت مرهمی برای مشکلات اقتصادی افغانستان بوده است، اما شرط عقلایی و منطقی ادامه و گسترش همکاری‌ها منافع مشترک است. لذا ایران و افغانستان می‌بایست منافع خود را در همکاری‌های بیشتر جستجو کنند، یعنی نفع یکی نباید منجر به ضرر دیگری شود. به عبارت دیگر چنانچه رابطه فقط بر اساس کمک ایران به افغانستان و یک‌جانبه باشد دو کشور نمی‌توانند از ظرفیت‌های عظیم اقتصادی همدیگر استفاده کنند. در ادامه به مواردی از همکاری‌های دو کشور اشاره می‌گردد که می‌تواند منافع مشترک اقتصادی دو کشور را تضمین کنند و باید همکاری‌های اقتصادی دو کشور در آینده بر این بستر قرار گیرند.

- کریدور حمل‌ونقل و ترانزیت بین‌المللی چابهار^۱: در ماه می سال ۲۰۱۶ میلادی موافقت‌نامه چابهار تحت عنوان «کریدور حمل‌ونقل و ترانزیت بین‌المللی چابهار» به امضاء روسای جمهور ایران، افغانستان و هند رسید که زمینه را برای سرمایه‌گذاری‌های جدید هند در بندر چابهار و ایجاد یک کریدور حمل‌ونقلی برای انتقال و ترانزیت آسان کالا و خدمات از طریق بندر چابهار میان سه کشور آسان می‌کند (وزارت راه و شهرسازی ایران، ۱۳۹۵).
- کریدور خط آهن پنج‌جانبه (CHINA + KTAI): این خط آهن به طول ۲۱۰۰ کیلومتر از چین شروع و با گذر از قرقیزستان، تاجیکستان، افغانستان به ایران می‌رسد. نزدیک به ۱۱۴۸ کیلومتر از این خط آهن از خاک افغانستان عبور خواهد کرد؛ و افغانستان از طریق راه آهن ایران به کشورهای اروپایی وصل خواهد شد (همان، ۱۳۹۵).
- مشارکت ایران و افغانستان در سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای: ایران و افغانستان مشترکاً در بسیاری از سازمان‌های اقتصادی مهم منطقه‌ای و بین‌المللی نظیر

سازمان همکاری اقتصادی اکو^۱، سازمان ملل متحد^۲، یونسکو^۳، بانک توسعه اسلامی^۴، بانک توسعه آسیایی^۵، سازمان کشورهای غیر متعهد^۶، سازمان همکاری شانگهای^۷، سازمان کنفرانس اسلامی^۸ و... به عنوان عضو اصلی یا ناظر می باشند.

مشارکت در این سازمان ها موجب همگرایی و شکل گیری منافع مشترک بین اعضا می گردد و چشم انداز توسعه اقتصادی کلان را فراروی کشورهای عضو قرار می دهد. ایران و افغانستان می توانند در چارچوب این سازمان ها نیز به همکاری های اقتصادی در جهت رشد و توسعه زیرساخت های اقتصادی بین خودشان بپردازند.

در جهان امروز که اقتصاد سیاست دولت ها را رهبری می کند و مبنای روابط کشورهاست، این گونه طرح های اقتصادی کلان منافع مشترک دو کشور را به هم گره می زند و موجب رشد اقتصادی ایران و افغانستان و تقویت همکاری های منطقه ای می شود، لذا مورد حمایت هر دو کشور می باشند.

۳- شناسایی چالش ها و موانع فراروی گسترش تجارت بین ایران و افغانستان

با وجود رشد چشمگیر و گسترش روابط اقتصادی بین دو کشور موانع گسترده ای فراروی تجارت دو کشور وجود دارد که باید برداشته شود. عبدالهادی فرهنگ، رایزن تجاری افغانستان در کتاب «تجارت میان افغانستان و ایران» به برخی از مهم ترین این چالش ها اشاره می نماید:

امنیت: از آنجایی که همیشه سرمایه گذاری نسبت به امنیت واکنش شدید نشان می دهد چنانچه دولت افغانستان خواهان سرمایه گذاری خارجی می باشد باید در حوزه امنیت نهایت اقدامات لازم را تدارک ببیند. مشکلات گمرکی: به گفته مسئولین اتاق تجارت و صنایع افغانستان، حجم صادرات افغانستان به خاطر دست و پاگیر بودن قوانین گمرکی ایران بسیار پایین است.

ویژا: در طول سال های گذشته، تجار و سرمایه گذاران افغانی از یکسو با برخی موانع در گرفتن ویزای تجاری مواجه بوده اند و از سوی دیگر، بالا بودن بهای ویزای تجاری ایران.

- 1- Economic Cooperation Organization(ECO)
- 2- United Nation(UN)
- 3- Scientific and Cultural Organization(UNESCO)
- 4-Islamic Development Bank (ISDB)
- 5- Asian Development Bank(UNESCAP)
- 6- Non Aligned Movement(NAM)
- 7- Sanghi Cooperation Organization(SCO)
- 8- Organization of Islamic Cooperation (OIC)

حل مشکلات حقوقی و قضایی: تجار افغانستان به خاطر طولانی شدن روند قضایی و بروکراسی موجود در ایران، از دلال‌ها و واسطه‌ها استفاده می‌کنند که منجر به هزینه‌های اضافی برای آنان می‌شود. دیدگاه مهاجری نسبت به افغان‌ها باید تغییر کند و دیدگاه تجاری شود: هر افغانی در ایران می‌تواند در برگشت به افغانستان یک فرصت اقتصادی برای ایران باشد، چون با کالاهای ایرانی عادت کرده است و این یعنی بازاریابی برای کالاهای ایرانی.

گسترش همکاری‌های بانکی بین دو کشور: تجارت بین ایران و افغانستان به صورت سنتی است و به صورت تجارت بانکی و مدرن نیست تا فعالیت بانکی و گمرکی و گارانتی به همراه داشته باشد. توجه به واردات و غفلت از صنعت: متأسفانه روابط تجاری میان ایران و افغانستان، به گونه‌ای یک‌طرفه بوده است. میزان واردات کالاهای ایرانی در ۱۷ سال گذشته، روندی روزافزون داشته است، اما در مقابل واردات ایران از افغانستان خیلی چشمگیر نبوده است. همچنین روابط اقتصادی دو کشور، در بخش صنعت، محدود بوده است (فرهنگ، ۱۳۹۵).

نتیجه‌گیری

در این مقاله، در بخش نخست نظریه‌های همگرایی به‌عنوان چارچوب تئوریک، پایه و اساس بعد نظری این پژوهش را شکل می‌دهند. لذا تصریح گردید که ایران و افغانستان در ابعاد اقتصادی و اجتماعی دارای پتانسیل‌های فراوان همگرایی می‌باشد، بنابراین اگر همگرایی از حوزه‌ها و ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فنی آغاز شود بهتر است؛ چون دستیابی به همکاری و همگرایی در موضوعات اقتصادی و کارکردی که از حساسیت کمتری نسبت به حوزه‌های سیاسی و فرهنگی برخوردار است آسان‌تر می‌باشد؛ لذا اقتصاد به دلیل جنبه نفع‌رسانی مشترک و سود متقابل اساس و مبنای رابطه دو کشور قرار گیرد. در ادامه پیشینه روابط اقتصادی دو کشور بررسی گردید و با ذکر موارد مستند به این نتیجه رسیدیم که روابط اقتصادی دو کشور در گذشته به صورت یک‌طرفه و از جانب ایران به شکل کمک‌های بلاعوض و باهدف جلوگیری از نفوذ کمونیسم در شرق و با حمایت‌های ایالات متحده آمریکا بوده است، لذا منافع مشترک دو کشور مدنظر نبوده است.

در بخش دوم نخست به کمک‌های تخصیص‌یافته ایران جهت بازسازی افغانستان پرداختیم. ایران با در نظر گرفتن دلایل امنیتی، اقتصادی، منافع ملی، عقیدتی و هم‌جواری با کشور افغانستان نقش فعال و سازنده‌ای در بازسازی افغانستان ایفا کرد و البته این کمک‌ها با رویکرد آمادگی زیرساخت‌های اقتصادی

افغانستان به خصوص در مناطق غربی این کشور که با ایران هم‌مرز است و تسهیل‌کننده مبادلات تجاری دو کشور در آینده می‌باشد صورت گرفته است. سپس به بررسی روند روابط اقتصادی دو کشور در بازه زمانی (۲۰۱۷-۲۰۰۱) پرداختیم. آمارهای موثق حاکی از این است که از سال ۲۰۰۱ به این سو روابط اقتصادی ایران و افغانستان نسبت به دوره‌های قبل از رشد چشمگیر و قابل توجهی برخوردار بوده است. مبادلات تجاری دو کشور از ۵۰۰ میلیون دالر در سال ۱۳۸۴ به بیش از سه هزار میلیون دالر در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. صادرات ایران به افغانستان به بیش از یک میلیارد و دویست میلیون دالر در سال ۱۳۹۴ رسیده است؛ و از طرف دیگر صادرات افغانستان به ایران هم رشد داشته است، به طوری که واردات ایران از افغانستان در سال ۱۳۸۲، ۱/۸ میلیون دالر و در سال ۱۳۹۴، نزدیک به ۹ میلیون دالر بوده است. هرچند که صادرات ایران به افغانستان و واردات ایران از افغانستان تناسب ندارد، اما رشد چشمگیری داشته است. لذا با توجه به رشد GDP و شاخص‌های توسعه در کشور افغانستان و روند رو به رشد مناسبات و مبادلات اقتصادی دو کشور چشم‌انداز روابط دو کشور بر مبنای گزارش‌های وزارت مالیه افغانستان و وزارت اقتصاد ایران و مراکز معتبر مالی بین‌المللی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول مثبت و قابل گسترش ارزیابی می‌گردد.

در نهایت آنچه به‌عنوان علت رشد پایدار و مستمر اقتصادی بین دو کشور در دوران مورد مطالعه، خودنمایی می‌کند؛ رابطه‌ای دوجانبه، بر مبنای منافع مشترک و مزیت‌های نسبی دو کشور می‌باشد.

منابع

- ایوانز، گراهام و نونام، جفری. (۱۳۸۱). *فرهنگ روابط بین‌الملل*. تهران: نشر میزان
- تمنا، فرامرز. (۱۳۸۷). *سیاست خارجی امریکا در افغانستان*، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- حمیدی، محمدحسن. (۱۳۸۳). *بررسی وضعیت مرزی ایران و افغانستان*، تهران: مؤسسه فرهنگی ابرار معاصر ایران
- حکمی، عزیزالدین. (۱۳۵۹). «*روابط اقتصادی ایران و افغانستان با توجه به مسائل سیاسی دو کشور پس از جنگ بین‌الملل دوم*»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۳۹۳). *نظریه‌های همگرایی منطقه‌ای و رژیم‌های بین‌المللی*، تهران: نشر مخاطب
- رحمانی م. و دیگران (۱۳۸۵) *دستاوردهای تجاری تشکیل بلوک منطقه‌ای در مرکز قاره آسیا، پژوهشنامه بازرگانی*، بهار، شماره ۳۸
- سیف زاده، سید حسین. (۱۳۸۸). *نظریه‌ها و تئوری‌های مختلف در روابط بین‌الملل فردی - جهانی*
شده: مناسبت و کارآمدی، چاپ دوم، تهران: انتشارات وزارت خارجه
- صادقی، زین‌العابدین و دیگران. (۱۳۸۹). *امکان‌سنجی ایجاد راه تجاری ابریشمین (مطالعه موردی کشورهای حوزه نوز)*، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام (ICIWG 2010)
- علی‌آبادی، علیرضا. (۱۳۷۵). *افغانستان*، چاپ سوم، تهران: وزارت امور خارجه
- عباسی ابراهیم، رنجبردار مجید. (۱۳۹۰). «*کمک‌های مالی ایران به افغانستان: اهداف و آثار اقتصادی آن*»،
فصلنامه روابط خارجی. (۳)، صص ۲۲۹-۱۹۵.
- فرهنگ، میر محمد صدیق. (۱۳۸۵). *افغانستان در پنج قرن اخیر*، چاپ نوزدهم (چاپ سوم ناشر)، تهران: انتشارات عرفان
- فرهنگ، عبدالهادی. (۱۳۹۵). *تجارت میان افغانستان و ایران (یک دهه روابط)*، تهران: انتشارات عرفان
- فرزان، احمدشاه. (۱۳۸۳). *افغانستان از مقاومت تا پیروزی*، ناشر مؤلف، چاپ دوم، تابستان ۸۳
- قوام، عبدالعلی. (۱۳۸۴). *روابط بین‌الملل نظریه‌ها و رویکردها*، تهران، انتشارت سمت

مصوبه مجلس شورای اسلامی. (۱۳۸۱). *لایحه مشارکت جمهوری اسلامی ایران در کمک به*

بازسازی افغانستان، ۱۳ مرداد ۱۳۸۱

محمدی، منوچهر. (۱۳۹۰). *بازتاب جهانی انقلاب اسلامی*، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

وزارت امور خارجه. (۱۳۷۵). *ارتش سرخ در افغانستان*، انتشارات: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

وزارت امور اقتصادی و دارایی. (۱۳۸۴). *گزارش پیشرفت عملیات اجرایی محور هرات-ارملک*.

وزارت امور اقتصادی و دارایی. (۱۳۸۶). *گزارش مشارکت جمهوری اسلامی ایران در بازسازی*

افغانستان، سازمان سرمایه‌گذاری، کارگروه اقتصادی و تلفیق

وزارت راه ترابری. (۱۳۸۳). *مجموعه گزارشات پیشرفت کار پروژه احداث جاده دوغارون- هرات*

۱۳۸۳-۱۳۸۱.

بانک جهانی. (۲۰۱۷). «انجام تجارت در افغانستان»، مطالعه مقایسه‌ای شرکت‌های داخلی در پنج

ولایت افغانستان با ۱۸۹ اقتصاد جهان، www.doingbusiness.org/substantial.

تاریخ مشاهده: ۹۶/۹/۹، «لیست پروژه‌های در دست احداث؛ راه‌آهن خواف - هرات»، تاریخ نشر

خبر ۱۳۹۵/۱۰/۲۸، وزارت راه و شهرسازی ایران، شرکت ساخت و توسعه زیربنای حمل‌ونقل

کشور؛ <http://adsl.tcsem.ir/>.

تاریخ مشاهده: ۱۳۹۶/۸/۱۰، «عملیات احداث آخرین قطعه راه ترانزیتی چابهار- میلک»، سایت

استانداری سیستان و بلوچستان، مورخ ۱۳۸۵/۸/۱۸، <https://www.sbportal.ir/fa/news/441>.

تاریخ مشاهده: ۱۳۹۶/۱۰/۳، «بررسی روند تجارت خارجی ایران با ۱۵ کشور همسایه در یک دهه

گذشته»، سازمان توسعه تجارت ایران، معاونت توسعه صادرات، مهرماه ۱۳۹۵،

http://www.tpo.ir/uploads/report-15_countries-95.pdf

تاریخ مشاهده ۱۳۹۶/۹/۱۳: «گزارش اقتصادی افغانستان در سال ۲۰۱۵»، بانک جهانی، مورخ آپریل

<http://documents.worldbank.org/curated/en/2998014672016>

تاریخ مشاهده: ۱۳۹۶/۱۰/۹، «نقشه راه توسعه همکاری با جمهوری اسلامی افغانستان با تمرکز بر

حوزه حمل‌ونقل»، وزارت راه و شهرسازی (دفتر توسعه امور بین‌الملل)،

<http://www.mrud.ir/Portals/0/%D9%85>

تاریخ مشاهده: ۹۶/۸/۲۶، «عملکرد ایران در استفاده از ظرفیت تجاری کشورهای همسایه»، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران،

<http://tccim.ir/images/Docs/EcoReport16.pdf>

تاریخ مشاهده: ۱۳۹۶/۱۰/۹، گمرک جمهوری اسلامی ایران: www.irica.gov.ir

تاریخ مشاهده: ۹۶/۱۱/۲۸، *اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران و افغانستان*،

<http://www.iaccim.ir/index.php/fa/>

تاریخ مشاهده: ۱۳۹۶/۱۱/۸، *خبرگزاری ایسنا*، ۱۱ اسفند ۱۳۹۴

<http://www.isna.ir/news/94121107574>

- World Bank .(2016). "*Economic Report of Afghanistan*" April 2015 ,UNODC.
- Louis J.Cantori, and Steven L. Spiegel .(1970). *The International Politics of Regions: A comparative Approach* New Jersey: Prentice Hall, p.607.
- Hass, Ernst .(1975). *the Obsolescence of Regional Integration Theory*, Berkeley: Institute of International Studies: UCB.
- Lindberg, Leon .(1966). *Integration as a Source of Stress on the European System, International Organization* «vol, xx ,No.2, spring.
- Mitrany, David .(1948). *the functional approach to world organization*».International affairs 24, pp.350-365s.
- Deutsch, Karl. .(1966). *National and Social Communication*». Cambridge, MA: MITpress: 273-74.
- World bank .(2006). *Interim strategy note for Islamic Republic of Afghanistan* «Report April 12, No 357, 4-AF.
- Mattli, Walter .(1999). *the Logic of Regional Integration. Europe and Beyond*. New York: Cambridge University Press.